

دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال دهم، شماره ۵ دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، پیاپی ۲۰، صص ۶۳-۱۰۱

تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران

حیدر شهریاری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶

چکیده

سیاست که در واقع عرصه مدیریت جامعه است و وظیفه تنظیم قواعد حاکم بر روابط سیاسی میان نیروهای اجتماعی را دارد از دیدگاه اقبال، طبقه‌ها، نیروها و گروه‌های مختلف اجتماعی قابل بررسی است. در این میان دانشجویان نیز به‌عنوان یک قشر یا نیروی اجتماعی هستند که نگرش و نگاه آنان به سیاست و مقولات مربوط به آن حائز اهمیت و قابل بررسی است. همچنین به نظر می‌رسد محصلین رشته‌های مختلف بر حسب رشته آن‌ها، به‌لحاظ رفتار و نگرش، نسبت به امر سیاسی گرایش‌های متعدد و متفاوت داشته باشند. تفاوت‌هایی که به‌لحاظ روشی و محتوایی بین علوم طبیعی و علوم انسانی وجود دارد، محیط مورد مطالعه آن‌ها و نیز موضوع‌ها و پدیده‌هایی که در هر یک از علوم فوق مورد مطالعه دانش‌پژوهان آن قرار می‌گیرد، همه و همه از جمله مباحثی است که بر گرایش سیاسی آنان اثر می‌گذارد. پژوهش حاضر که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه و بر مبنای روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای، بر روی ۲۶۴ نفر (بر اساس جدول مورگان) از دانشجویان دانشگاه تهران انجام گرفته است نشان می‌دهد که بین رشته‌های مختلف تحصیلی (فنی و مهندسی، علوم پزشکی، علوم انسانی و ادبیات و هنر) و گرایش سیاسی دانشجویان (ابعاد گرایش سیاسی: مشارکت سیاسی، مشروعیت سیاسی، هویت سیاسی، جریان سیاسی و قدرت سیاسی) رابطه وجود دارد. بدین صورت که دانشجویان گروه علوم انسانی نسبت به دانشجویان سایر گروه‌های تحصیلی به‌لحاظ گرایش سیاسی با هم تفاوت معناداری دارند. بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر، صحت فرضیه فوق از آنجاست که دانشجویان گروه علوم انسانی در سه بعد از ابعاد پنج‌گانه گرایش سیاسی - یعنی مشارکت سیاسی، جریان سیاسی و هویت سیاسی - نسبت به دانشجویان سایر گروه‌ها با هم متفاوت‌اند، اما در دو بعد دیگر از ابعاد گرایش سیاسی تفاوت معناداری بین گروه‌های مختلف تحصیلی مشاهده نشده است.

واژگان کلیدی

گرایش سیاسی، رشته تحصیلی، علوم انسانی، علوم طبیعی، دانشگاه تهران

مقدمه

دانشگاه که موظف به تربیت مجموعه‌ای از نیروی انسانی ماهر است تا بتواند با بهره‌گیری از تخصص آنان، زندگی انسان را دوام بخشد، به‌عنوان یک عنصر اصلی نظام اجتماعی دنیای مدرن، به شکل رسمی در شکل دادن به آگاهی‌ها، قابلیت‌ها و پرورش ذهنیت نیروی انسانی در جامعه فعالیت می‌کند. این آگاهی‌ها و قابلیت‌ها می‌توانند از تولید و اشاعه دانش تخصصی تا ایجاد مهارت‌های پایه‌ای برای زندگی اجتماعی تا آگاهی بخشی به دانشجویان در خصوص مسائل سیاسی را در برگیرد. دانشگاه محلی است که ورودی‌های آن، سرمایه، تجهیزات، برنامه، امکانات، نیروی انسانی و بالاخره دانشجویست. فراگرد دانشگاه شامل آموزش، پژوهش، خدمات، حفظ و انتقال میراث، فرهنگ و جامعه‌پذیری سیاسی است. خروجی‌ها و صادره‌های دانشگاه نیز شامل نیروی انسانی متخصص و ماهر در زمینه‌های مختلف و همچنین اختراع و اکتشاف، نوآوری‌های علمی و گسترش مرزهای دانش است تا به غایت وجود خود، یعنی خدمت به بشریت نائل گردد. از این منظر دانشگاه که متشکل از مجموعه‌ای تخصص‌ها و رشته‌های متعدد تحصیلی و علمی است نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به سیاست به‌عنوان مدیریت کلان منابع و توزیع آمرانه ارزش‌ها نگاه می‌کند و نسبت به دیگر ساختارها و بخش‌های مختلف جامعه با سیاست و رویکرد سیاسی تماس دارد و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از سیاست و نهاد سیاسی انتظار برآوردن خواسته‌ها و امید و آرزوهای خود را دارد.

اما از سوی دیگر به نظر می‌رسد محصلان و دانش‌پژوهان عرصه‌های مختلف علمی و دانشگاهی نسبت به امر سیاست گرایش‌های متعدد و متفاوتی دارند. تفاوت‌هایی که به‌لحاظ روشی و محتوایی بین علوم طبیعی و علوم انسانی وجود دارد و نیز موضوع‌ها و مباحثی که در هر کدام از عرصه‌های فوق مورد مطالعه دانش‌پژوهان آن عرصه قرار می‌گیرد، همه و همه از جمله مباحثی است که بر گرایش آنان نسبت به امر سیاست، از میزان و نحوه مشارکت آنان تا دیدگاه آنان نسبت به مشروعیت سیاسی و دیگر شاخص‌های گرایش سیاسی، اثر می‌گذارد. آنچه مبرهن است تمرکز مطالعات علوم انسانی بر شرایط زیست انسان و افکار، عقاید و نگرش انسان‌ها نسبت به آن

شرایط است؛ این مطالعات شامل پدیده‌های مختلف انسانی، از روانشناسی، علوم اجتماعی، حقوق گرفته تا آگاهی سیاسی و کناکنش سیاسی را شامل می‌شود. این در حالی است که سیل تمرکز و مطالعه دیگر رشته‌ها عمدتاً بر روی پدیده‌های طبیعی و مکانیکی از یک سوی (همانند رشته‌های علوم پزشکی و فنی مهندسی) و بر پدیده‌های زیباشناختی و معناگرایی (همانند رشته‌های هنر و ادبیات که مطالعات آن‌ها بیشتر بر روحيات و درونگری انسان‌هاست) از سوی دیگر است. از آنجاکه انسان‌ها به هنگام کنش در محیط پیرامونی خود به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تأثیر اندیشه و محیط خود هستند لذا جهت‌گیری‌های بعضاً متفاوتی نسبت به پدیده‌های اجتماعی دارند؛ امری که می‌تواند در خصوص پدیده‌های مختلف سیاسی صادق باشد. در این راستا نوشتار حاضر بر آن است تا به این پرسش اصلی پاسخ دهد که: آیا گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی در قیاس با گرایش سیاسی دیگرگروه‌های تحصیلی متفاوت است؟

۱. ادبیات موضوعی

در زمینه مشارکت سیاسی، تحقیقات لایگلی^۱ نشان می‌دهد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود. وی نتیجه می‌گیرد بحث با دوستانی که به سیاست علاقه‌مند هستند یا به فعالیت سیاسی می‌پردازند، می‌تواند در یادگیری فرد به فعالیت در امور سیاسی کمک کند (Mcclurg, 2003, pp.48-64). وفادار (۱۳۷۵) در تحقیق خود تحت عنوان «دموکراسی، برداشت مردم و دانشجویان» به بررسی نگرش مردم و دانشجویان نسبت به انتخابات پرداخته است. مهم‌ترین عاملی که بر انتخابات به‌عنوان رفتار سیاسی تأثیر داشته، مشروعیت به‌خصوص مشروعیت مسئولین بوده است؛ یعنی عامل «اعتماد به مسئولین» باعث شده که مردم و دانشجویان نیز عملاً در مسائل کشور بیشتر دخالت کنند. شرایط اجتماعی مانند امنیت اجتماعی و مسائل اقتصادی از جمله عوامل مهم تأثیرگذار هستند که وجود «امنیت» به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی هم در عمل و هم در نظر مردم، در خصوص مسائل کشور تأثیر دارد. سه متغیر تحصیلات، وضعیت اقتصادی و گرایش مذهبی با

متغیرهای اجتماعی همبستگی داشته‌اند. قابل ذکر است که متغیر «تحصیلات» تأثیر کاهنده داشته، به طوری که با افزایش سطح تحصیلات، علاقه به شرکت در انتخابات کاهش یافته است. سید امامی در پژوهشی تحت عنوان «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی کننده‌های مشارکت سیاسی» به استناد یافته‌های پیمایشی که درباره اشکال و سطوح مشارکت سیاسی دانشجویان به دست آمد، یکی از نظریه‌های جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی یعنی «نظریه منابع» مورد ارزیابی قرار داده و برخی منابع مورد ادعای این نظریه به‌عنوان پیش‌بینی کننده‌های مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است (سید امامی، ۱۳۸۶).

در زمینه هویت سیاسی، حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)» به بررسی ارتباط جهانی شدن و هویت ملی پرداختند. نتایج حاصل از واکاوی داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS نشان داد که گسترش فرایندهای جهانی شدن در قالب فناوری اطلاعات و ارتباطات (ماهواره و اینترنت)، زمینه‌ساز تقویت هویت فراملی دانشجویان بوده است. در تحقیقی وحیدا و همکاران (۱۳۸۳) تحت عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر هویت اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، نتایج به‌دست آمده نشان‌دهنده این است که ۱۴ درصد از دانشجویان در حد زیاد و بسیار زیاد و ۴۱ درصد در حد کم و بسیار کم از سرمایه اجتماعی برخوردار هستند. بیشترین سرمایه اجتماعی دانشجویان (۷۸٫۵ درصد) به گروه‌های نخستین تعلق دارد. دانشجویان پسر، دانشجویان دارای والدین با تحصیلات بالاتر، دانشجویان دارای مادران شاغل، دانشجویان بومی و دانشجویان متعلق به طبقه بالا دارای سرمایه اجتماعی بیشتری بودند. همچنین یافته‌ها، فرضیه اصلی تحقیق را تأیید می‌کند ($p=0,000$ و $r=0,191$) و نشان می‌دهد رشد سرمایه اجتماعی دانشجویان در نحوه تعریف و برداشت آنان از هویت اجتماعی خود نقش مؤثری دارد.

در زمینه مشروعیت سیاسی، فلاح و زاهدی اصل (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه شاهد» به این نتیجه رسیدند که پاسخ‌گویان در کلیه زمینه‌های مختلف سیاسی از لحاظ میزان آگاهی در سطح متوسط قرار دارند و

تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران ۶۷

هیچ اختلاف معناداری بین ورودی‌های مختلف دانشگاه و فارغ‌التحصیلان آن و همچنین بین دانشکده‌های مختلف دانشگاه شاهد از لحاظ میزان آگاهی سیاسی وجود ندارد.

در زمینه جریان سیاسی، در ایران در سال ۱۳۸۰ پژوهشی درباره فرهنگ سیاسی جوانان توسط وحید قاسمی (۲۰۰۲) صورت گرفته که طبق نتایج به دست آمده، زنان در حمایت از نظام سیاسی موجود، محافظه‌کارتر از مردان بوده و کمتر از سیاست‌های موجود انتقاد کرده‌اند. هم چنین پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دو موج طی سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ اجرا شده است. زنان و مردان در نگرش‌های سیاسی خود از جمله احساس آزادی، فعالیت احزاب و گروه‌ها، آزادی انتقاد از حکومت و اعتماد به نهادهای حکومتی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند.

۲. مبانی مفهومی و نظری

۲-۱. رشته تحصیلی

در این پژوهش رشته تحصیلی به چهار رشته (فنی و مهندسی، علوم پزشکی، علوم انسانی و هنر و ادبیات) تقسیم شده است؛ اما به‌طور کلی رشته‌های تحصیلی مذکور در حوزه علوم طبیعی و علوم انسانی جای می‌گیرند. به‌طور کلی جامعه‌شناسان اولیه (همچون دورکیم، سیمون و کنت) با الگوگیری از روش‌های تجربی علوم طبیعی، از همگونی حوزه‌های علوم طبیعی و اجتماعی و انسانی سخن گفته و بر لزوم تحقیق تجربی در حوزه علوم اجتماعی تأکید کردند، اما در مقابل آن‌ها نظریه‌پردازان دیگری (همچون دیلتای و ریکرت) از تفاوت ذاتی حوزه‌های علوم طبیعی و اجتماعی سخن گفتند و این، محور بحثی طولانی را فراهم آورد که تا به امروز نیز کم و بیش ادامه دارد؛ اما آن‌هایی که بین علوم انسانی با علوم طبیعی تفاوت می‌دیدند از دو جنبه به این مسئله نگاه می‌کردند:

الف. آن‌هایی که تفاوت علوم طبیعی و اجتماعی را در «روش»‌های متمایز این دو رشته می‌دانند، همچون ریکرت.

ب. آن‌هایی که تفاوت علوم طبیعی و اجتماعی را در «موضوع» متمایز مورد بحث در این دو رشته می‌دانند، همچون دیلتای.
اما ورای این مسئله به‌طور کلی می‌توان تفاوت‌های مطرح در علوم فوق را عبارت دانست از (رک. سید امامی، ۱۳۸۶):

اول. نقد آزمون‌پذیری تجربی

در حوزه علوم طبیعی روال کار چنین است که اغلب فرضیه‌های مطرح‌شده به آزمون تجربی گذاشته می‌شوند (مثلاً در شرایط آزمایشگاهی) و اگر آن فرضیات توانستند از پس آزمون‌های تجربی برآیند به‌عنوان معرفت علمی مطرح می‌شوند؛ اما در حوزه علوم اجتماعی، آزمون‌پذیری تجربی نظریه‌ها بسیار مشکل و بعضاً ناممکن است.

دوم. تفسیر بجای تبیین

رایج‌ترین موضع ضد طبیعت‌گرایی در برابر علوم طبیعی آن است که در علوم طبیعی بر رویکردهای تبیینی تأکید می‌رود و جستجو و کشف سازوکارهای علی را دستور کار قرار داده‌اند، اما علوم اجتماعی حداقل در برخی گرایش‌ها (همچون مردم‌شناسی) تنها به دنبال تفسیرهایی از رفتارهای معنی‌دار انسان‌ها می‌باشند.

سوم. تلقی پیشینی، تلقی پسینی

در نظریه‌پردازی اجتماعی، محقق با داشتن پیش‌فرض‌هایی درباره انسان‌ها به درون زندگی اجتماعی وارد می‌شود و اعمال و رفتار آدمیان را مورد بررسی علمی قرار می‌دهد اما در علوم طبیعی تلقی پسینی از اشیاء و جهان طبیعی وجود دارد.

چهارم. علوم اجتماعی بر خلاف علوم طبیعی به تمرکز بر اعمال قصدی تأکید دارد

پنجم. تفاوت در قابلیت پیش‌بینی

پیش‌بینی‌پذیری در علوم اجتماعی هیچ‌گاه به پای علوم طبیعی نمی‌رسد.

ششم. تفاوت نوعی تبیین‌ها

سخن ضد طبیعت‌گرایان آن است که نظم رویدادها در علوم طبیعی غیرارادی بوده و از روی ناآگاهی است و صرفاً شامل یک سری روابط مکانیکی میان اجسام و اشیاء

می‌باشد؛ اما نظم شکل‌گرفته در جوامع انسانی محصول کنش‌های آگاهانه افراد درگیر در آن جامعه می‌باشد.^۲

از این رو، تفاوت بین دو علم مزبور در روش و موضوع خلاصه می‌شود. بدین معنی که علوم طبیعی بیشتر از روش پوزیتیویستی و کمی و علوم دقیقه استفاده می‌کند در حالی که علوم انسانی بر مبنای فهم و تفهیم است که این امر منجر به نسبی‌گرایی در چنین علومی می‌شود. از سوی دیگر در خصوص موضوع علوم انسانی بر مبنای مطالعه در خصوص انسان و به‌طور کلی شرایط زیست انسانی (از جمله شرایط اجتماعی و سیاسی) مبتنی است در حالی که علوم طبیعی بر مبنای علم طبیعت و جهان بیرون از انسان است.

در این راستا تفاوت بین روش و موضوع که بین دو رشته علوم اجتماعی و علوم طبیعی به‌طور کلی وجود دارند فراگیران و متعلمان آن‌ها را وامی‌دارد تا درباره جهان پیرامونی متفاوت بیندیشند. ضرورت این امر از اینجاست که دانشجویانی که در رشته‌های متعدد تحصیلی مطالعه می‌کنند چه دیدی نسبت به جهان اجتماعی خود پیدا می‌کنند و اینکه اگر رشته‌های تحصیلی آنان بر نوع نگاه آنان به جهان پیرامون تأثیر گذاشته، در نتیجه، آنان جهان اجتماعی اطراف خود را چگونه می‌بینند. به‌طور واضح‌تر، رشته‌های علوم انسانی، علومی هستند که با انسان و به‌طور کلی با جهان اجتماعی سروکار دارند؛ در حالی که علوم طبیعی (مثل مهندسی و پزشکی) از جمله علومی هستند که با طبیعت سروکار دارند نه با انسان؛ از این روی سؤالی که مطرح می‌شود آن است که این نوع تفاوت بین رشته‌های تحصیلی چه تأثیری بر گرایش سیاسی محصلین آن می‌گذارد. چنین رابطه‌هایی بین اجزاء متغیر مستقل و وابسته (گرایش سیاسی و ابعاد آن) در ادامه خواهد آمد.

۲-۲. گرایش سیاسی

چارلز اف آندرین در کتاب زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی، سیاست را سلسله عملیاتی می‌داند که تصمیمات الزامی از طریق آن در خصوص جامعه صورت می‌پذیرد. به گفته او «ما سیاست را سلسله عملیاتی می‌دانیم که از طریق آن‌ها تصمیمات الزامی

مربوط به جامعه طرح و اجرا می‌گردد». از نظر او، اعمال سیاسی با توجه به چهار مسئله اصلی که کلیه جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. اولین مسئله خلق یک شناسایی سیاسی مشترک است. دومین مسئله، مسئله برقراری وسایل قدرت مؤثر می‌باشد. مسئله سوم، روش‌های تضمین اختیار مشروع است و آخرین مسئله مربوط به تولید و توزیع کالاها و خدمات می‌گردد (آندریس، صص ۷۹-۸۰). دانشمند سیاسی مسئول روشن کردن این مسائل، توضیح رابطه بین آنها و تعیین روش‌های استفاده از آنها برای درک وضعیت‌های سیاسی واقعی است. همان‌گونه که از مطالب فوق پیداست، آندریس امور سیاسی را به چهار بخش تقسیم می‌کند؛ یعنی هویت سیاسی، مشروعیت سیاسی، جریان سیاسی و قدرت سیاسی؛ اما مبحثی دیگر که در خصوص اوامر سیاسی در دنیای کنونی به‌طور وافر حائز اهمیت است، بحث مشارکت سیاسی است. در واقع در دنیای مدرن که با گسترش مردم‌سالاری در تمام نقاط دنیا اهمیت روزافزونی یافته است، بحث مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی از ناحیه مردم به‌عنوان ذی‌حقان عرصه تصمیم‌گیری، امری شایان اهمیت و مبراست. از این روی، در پژوهش حاضر سعی شده تا مبحث مشارکت سیاسی را نیز به‌عنوان یکی از شاخه‌های امور سیاسی مد نظر قرار گیرد و گرایش یا تمایل دانشجویان نسبت به این امر مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۳. مشارکت سیاسی

در خصوص مشارکت سیاسی، نظریه‌ای که مورد استفاده قرار گرفته تا به‌واسطه آن شاخص‌ها و سؤالات پرسشنامه تهیه و تنظیم گردد عمدتاً بر گرفته از نظریه میلبراث و گوئل است. میلبراث^۳ و گوئل^۴ - که در زمره مکتب جامعه‌شناسی قرار می‌گیرند (بر خلاف مکتب انتخاب عاقلانه که در آن هرگونه رفتار سیاسی حاصل تصمیم‌گیری فردی بازیگر است که به‌طور عاقلانه از میان گزینه‌های مختلف که در یک وضعیت خاص پیش‌روی اوست گزینه‌ای را انتخاب کند) - در تبیین مشارکت سیاسی هفت عامل عمده نام می‌برند. این عوامل عبارت‌اند از: محرک (انگیزه سیاسی)، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی، محیط سیاسی، مهارت، منابع و تعهد (راش، ۱۳۷۷،

تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران ۷۱

ص ۱۳۸). از نگاه میلبراث شخصی که تحت تأثیر محرک سیاسی بیشتری باشد احتمال مشارکت وی نیز بیشتر می‌شود. در واقع در نگاه میلبراث و گوئل، محرک سیاسی یا به عبارت دیگر آنچه فرد را وادار به مشارکت سیاسی و توجه به امر سیاسی می‌کند از عوامل مهم و تأثیرگذاری‌اند که افراد را به سمت تحرک در امر سیاسی هدایت و رهنمود می‌کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد دانشجویان علوم انسانی (به دلیل علم مورد مطالعه خود و ارتباط بیشتر آن با جهان سیاست) نسبت به سایر دانشجویان طبیعتاً از محرکه یا انگیزه بیشتری برای مشارکت در امور سیاسی برخوردارند. از سوی دیگر مشارکت در هر فعالیتی به میزان آگاهی و تخصص فرد در آن زمینه می‌باشد. در این راستا به نظر می‌رسد میزان آگاهی دانشجویان علوم انسانی نسبت به سایر دانشجویان بیشتر بوده و در نتیجه آن‌ها را به مقوله بی‌تفاوتی سیاسی روگردان ساخته و مشارکت در سیاست به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در زندگی آن‌ها به عنوان یک امر ضروری تلقی می‌شود و ...؛ بنابراین فرضی که در این خصوص به دست می‌آید مشارکت بیشتر محصلین علوم انسانی نسبت به محصلین دیگر رشته‌های تحصیلی است.

۲-۴. جریان سیاسی

نظریه مورد استفاده در این خصوص از کتاب محمدی نژاد است که وی نیز از مورس دوورژه اخذ نموده است. در زیر تقسیم‌بندی پیوستاری احزاب سیاسی در جدول نمایش داده شده است (محمدی نژاد، ۱۳۵۳، ص ۱۲۰):

جدول شماره ۱. تقسیم‌بندی احزاب سیاسی

حزب راست افراطی	حزب میانه یا ملی	حزب افراطی چپ
واپس‌نگر	گذشته و آینده‌نگر	آینده‌نگر
خواستار دگرگونی‌های اساسی در وضع موجود، صرفاً برای احیا و حفظ ارزش‌های و نهادهای سنتی	خواستار دگرگونی‌های اساسی و ضروری در وضع موجود	خواستار دگرگونی‌های اساسی در وضع موجود
	حافظ و مدافع نهادها و ارزش‌های معتبر و مفید سنتی	مخالف ارزش‌ها و نهادها سنتی
حامی منافع اشراف	حامی منافع همه طبقات	حامی منافع کارگران
طبقه‌گرا	مردم‌گرا	طبقه‌گرا
جزمی	غیرجزمی	جزمی
استبدادی همه‌گیر	تمرکز دموکراتیک	استبدادی همه‌گیر

نکته‌ای که در اینجا ذکر آن ضروری است آنکه احزاب با مرام معتدل به‌حسب دوری یا نزدیکی به دو سر طیف در پیوستار فوق قرار می‌گیرند؛ بدین‌صورت که احزاب راست میانه در میانه راست افراطی و میانه قرار می‌گیرند و احزاب چپ میانه یا چپ اصلاح‌طلب در میانه چپ افراطی و میانه واقع می‌شوند. در این نوشتار نیز سعی شده تا گرایش دانشجویان مختلف تحصیلی نسبت به مقوله جریان سیاسی بر اساس مدل پیوستاری فوق مورد بررسی قرار گیرد.

پرسشی که به‌لحاظ نظری در اینجا مطرح می‌شود آن است که دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی یا علوم پزشکی به‌لحاظ جریان سیاسی به کدام سمت تمایل دارند؛ به نظر می‌رسد چرایی و چگونگی این امر تا حدودی نیز بسته به تفاوت علمی است که آن‌ها مطالعه می‌کنند. بدین معنا که علوم انسانی مبتنی بر عدم قطعیت است درحالی‌که قطعیت در علوم طبیعی به نسبت بیشتر احساس می‌شود و نیز آنکه در علوم انسانی تفسیر به‌جای تبیین می‌نشیند، امری که منجر به نسبی‌گرایی بیشتر در این علوم می‌شود. نکته‌ای که از مبحث فوق به دست می‌آید آن است که دانشجویان رشته‌های

علوم طبیعی (پزشکی و فنی و مهندسی) چنانچه شدیداً تحت تأثیر رشته‌های خود قرار گرفته باشند دیدی دو جانبه نسبت به محیط اطراف خود پیدا می‌کنند. نگاه مطلق‌گرایی آن‌ها که ناشی از رشته و روش مطالعاتی خود بوده به حوزه جامعه و سیاست متسری می‌شود؛ بدین شکل که جهان اجتماعی پیرامون خود را نیز این‌گونه مشاهده می‌کنند و نوع تلقی آن‌ها از این امر دو بعدی است نه چندبعدی؛ مطلق‌گرایی نه نسبی‌گرا و ... این در حالی است که به دلیل چندبعدی بودن رشته‌های علوم انسانی، عدم قطعیت در علوم انسانی، چندوجهی و چندقطبی دیدن امور و مشاهده کردن علل مختلف یک امر اجتماعی و ... باعث می‌شود که عالم و یا محصل علوم انسانی به یک نوع شکاکیت و نگاهی خاکستری به جهان پیرامون خود نظر بیفکند و اجتماع و سیاست را همچون قطب‌های آهن‌ربا نبیند؛ بنابراین دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان علوم فنی از دیدگاهی نسبی برخوردارند که این امر منجر به نگاه متعادلانه و متمایلانه نسبت به گرایش‌های سیاسی می‌شود. بدین معنا که آنان به لحاظ جریان‌شناسی سیاسی معمولاً متمایل به میانه هستند و غالباً از گرایش‌های افراطی چپ و راست پرهیز می‌کنند.

۲-۵. هویت سیاسی

به موضع آدمی در قبال این موضوعات (انسان، جهان، ارزش‌ها) که اولاً از وحدت و انسجام برخوردار باشد، ثانیاً نزد آدمی معتبر و مطابق واقع جلوه کند، ثالثاً شفاف و واضح باشد، رابعاً اثرات خویش را در همه وجوه و شئون فردی و اجتماعی آدمی نشان دهد می‌توان «هویت» نام نهاد (کاجی، ۱۳۷۸، ص ۲۷). به‌طور کلی می‌توان دو نظریه کلی را در این خصوص مطرح کرد: در سطح کلان نظریه ساختارگرایی یا واقعیت اجتماعی مطرح است. بر اساس این دیدگاه هرچند نظام اجتماعی از مجموعه کنش‌گران فردی تشکیل گردیده اما در تحلیل نهایی این کنشگران سهمی نداشته و کاملاً منفعل و متأثر از شرایط ساختار (اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - تاریخی) می‌باشند. دیدگاه کنش‌گرایان بر خلاف دیدگاه ساختارگرایان هویت را پدیده‌ای در حال ایجاد شدن و جدید می‌دانند که در هیچ زمان و مکانی ثابت نخواهد بود و همواره در حال شکل‌گیری و تغییر است. این روند همواره خویشتن، خود را از طریق سازمان‌دهی

نگرش‌های فردی مهم دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد (Mead, 1965, p.222)؛ اما جامعه‌شناسان تلفیق‌گرا سعی دارند که این دوگانگی (ساختار و کنش) را در تبیین پدیده‌های اجتماعی از بین برده و اهمیتی تقریباً برابر و یکسان برای کنش‌گر اجتماعی و ساختار اجتماعی در نظر گیرند (پیرسون، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰). طبق این دیدگاه هویت دانشجویان مورد مطالعه ما که دارای سطوح مختلف هویت قومی، ملی، جهان‌وطنی و اسلامی بوده در ارتباط با ساختار اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند شکل گرفته و متناسب با آن هویت‌ها رفتار می‌کنند و از سوی دیگر با ورود به محیط دانشگاه و تحصیل در رشته خاصی ممکن است فرد برخی از هویت گذشته خود را مورد بازیابی یا بازسازی قرار دهد.

۲-۶. مشروعیت سیاسی

نظریه‌ای که در این مبحث مورد استفاده قرار گرفته برگرفته از رهیافت اثباتی - تفسیری است که به‌طور خاص بر نظریه وبر تأکید دارد. به اعتقاد وی مشروعیت را می‌توان مبانی حقانیت و تجویز اعمال سلطه تعریف نمود (وبر، ۱۳۸۴، ص ۴۳). وبر در جامعه‌شناسی سیاسی خود سه منبع برای مشروعیت مطرح کرده است: مشروعیت سنتی^۵، مشروعیت کارزمایی^۶ و مشروعیت قانونی- عقلایی^۷. تلقی از مشروعیت نظام سیاسی حاکم نزد گروه‌های اجتماعی در یک جامعه تحت تأثیر برخی از عوامل در طول زمان می‌تواند تحول یافته و از یک نوع به نوع دیگر تبدیل شود. دانشجویان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که میزان آگاهی سیاسی آن‌ها، نوع تلقی‌شان از مشروعیت را تعیین می‌کند. به‌عبارت‌دیگر ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته‌های مختلف دانشگاه همه دانشجویان را تحت تأثیر قرار داده، به‌طوری که افزایش سطح مطالعات دانشجویان و رابطه با جامعه نگرش آن‌ها را نسبت به مشروعیت نظام سیاسی تغییر داده و مشروعیت قانونی و مبتنی بر تخصص را به‌عنوان بهترین مشروعیت مد نظر قرار می‌دهند.

در خصوص هویت سیاسی و مشروعیت سیاسی نیز آنچه که از تفاوت بین علوم انسانی و دیگر گروه‌های تحصیلی به دست می‌آید آن است که به نظر می‌رسد محصلان

علوم انسانی به دلیل علم مورد مطالعه نسبت به دیگر محصلین متفاوت باشند. این امر از آن روی است که پایه‌ها، داده‌ها و به‌طورکلی محتوای علم مورد مطالعه این‌ها برگرفته از عناصر و مؤلفه‌های مدرنیته است. به استثنای برخی از رشته‌ها مثل الهیات و علوم قرآنی، اکثر رشته‌های علوم انسانی بر مبنای برنامه جامع مدرنیته و نوگرایی تدوین شده‌اند. مدرنیته که بر اساس به چالش کشیدن سنت‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ‌های غیرعقلانی گذشته و نیز به تصویر کشیدن و خلق کردن آداب و رسوم عقلانی و مدنی جدید برای زندگی بهتر و سعادت‌مندتر بنیان نهاده شده است، امروزه شاکله و محتوای اکثر علوم انسانی را در جهان شکل داده است. در نتیجه این امر می‌تواند به لحاظ ذهنی هویت سیاسی دانشجویان علوم انسانی را نسبت به دیگر رشته‌ها که در معرض مستقیم این امر قرار گرفته‌اند تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را از هویت جهانی و مدنی برخوردار نماید. هر چند که هویت جهانی و مدنی الزاماً به معنای تضاد با هویت اسلامی و قومی نیست، اما تمایل به هویت مدنی و جهانی از سوی محصلین علوم انسانی امری است که می‌تواند تحت تأثیر علوم مطالعاتی انسانی قرار گیرد. همچنین از مبحث فوق می‌توان تمایل و گرایش بیشتر دانشجویان علوم انسانی نسبت به مشروعیت مدرن را در مقایسه با دیگر مشروعیت‌ها مورد ملاحظه قرار داد. بدین صورت که مطالعه، تحقیق و پژوهش در خصوص مسائل و مباحث علوم انسانی که منتج از مؤلفه‌های مدرنیته، قانون‌گرایی و عقلانیت است، طبیعتاً گرایش به سمت مشروعیت عقلایی در محصلین این گروه را افزایش می‌دهد.

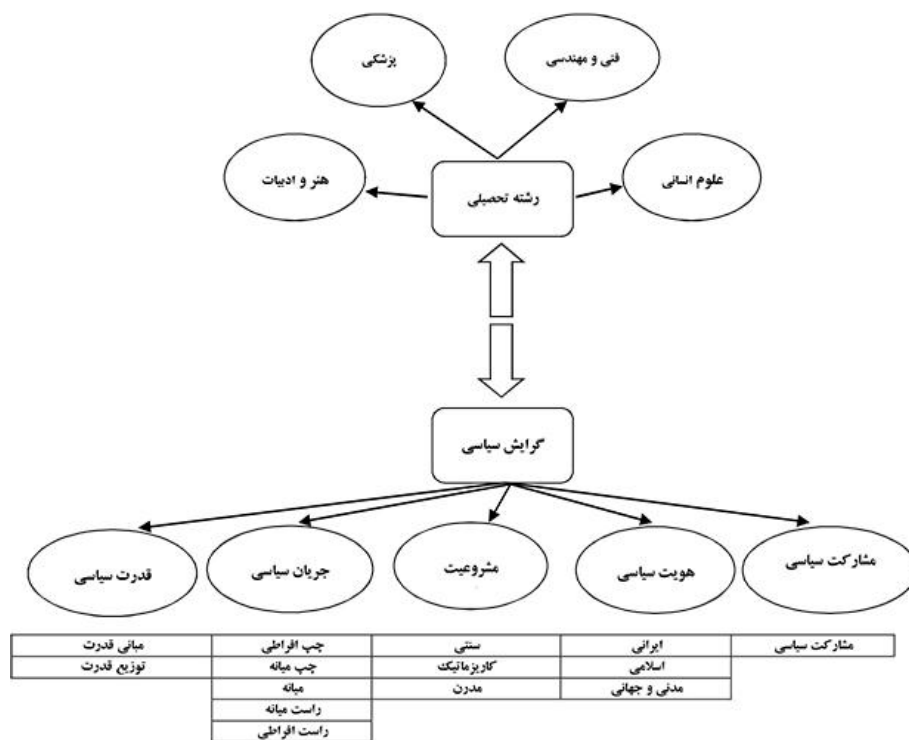
۲-۷. قدرت سیاسی

قدرت زمینی قدرتی است که انسان‌ها حق اعمال قدرت را به دست می‌آورند و منبع آن را نه یک امر آسمانی بلکه امری انضمامی و جامعه‌شناختی می‌بینند. از سوی دیگر توزیع قدرت اشاره به تقسیم و سهم نمودن آن بین آحاد و طبقات مختلف جامعه دارد. طبقات بالا در یک سر طیف (گستره) قرار می‌گیرند و طبقات پایین در طرف دیگر طیف و طبقات دیگر نیز در امتداد طیف سهمی از قدرت برخوردارند. در این راستا پژوهش حاضر در این زمینه، از منظر نگاه دانشجویان مختلف نسبت به توزیع قدرت و

مبانی آن مطرح شده و تفاوت آن‌ها را بر حسب رشته یا گروه تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته است. نکته‌ای که ذکر آن لازم است، آنکه در خصوص رابطه بین قدرت سیاسی و گرایش سیاسی سؤال مطرح شده است، نه فرضیه. این امر بدان خاطر است که حداقل به لحاظ تئوریک و تجربی نمی‌توان رابطه معناداری بین این دو مقوله ذکر کرد؛ بنابراین به نظر می‌رسد با مطرح نمودن سؤال و ارزیابی پاسخ به این سؤال پس از گردآوری داده‌های پرسشنامه، در صورت وجود رابطه بین این دو مقوله، می‌توان به میزان تثبیت یا عدم تثبیت فرضیه اصلی پژوهش حاضر کمک کرد.

با توجه به مباحث و مطالب مطرح‌شده در این بخش مدل تحلیلی و مفهومی به‌دست‌آمده به‌صورت ذیل خواهد بود:

تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی: مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران ۷۷



نمودار شماره ۱. مدل مفهومی و تحلیلی تحقیق

۳. روش‌شناسی**۳-۱. نوع روش**

این پژوهش بر مبنای روش کمی (پیمایشی) با استفاده از پرسشنامه تهیه شده و از نوع توسعه‌ای است و روش آن به لحاظ گردآوری و تحلیل پژوهش توصیفی-تحلیلی است، بدین خاطر که از یک سوی هم دارای پیشینه و هم فرضیه است که نشان‌دهنده بعد توصیفی-تحلیلی آن است و از سوی دیگر پس از گردآوری داده‌ها در بخش پایانی پژوهش (فصل نتیجه‌گیری) داده‌های مربوط به‌طورکلی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۲. جامعه آماری

جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و علوم پزشکی است که در چهار گروه فنی و مهندسی، پزشکی، ادبیات و هنر و علوم انسانی در حال تحصیل‌اند و بر اساس جدول مورگان نمونه آماری مورد بررسی تحقیق حاضر ۲۶۴ می‌باشد. روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر بر مبنای روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی انجام گرفته است. بدین‌صورت که ابتدا دانشجویان مورد بررسی دانشگاه تهران در نظر گرفته شده است. پس از آن چهار گروه متفاوت علوم انسانی، فنی و مهندسی، پزشکی و ادبیات و هنر به‌عنوان جامعه آماری مورد نظر قرار گرفته است و پس از آن گروه‌ها به رشته‌های سطح بالا و رشته‌های سطح پایین تقسیم شده که به‌طور تصادفی پرسشنامه بین آن‌ها تقسیم شده است.

۳-۳. ساخت پرسشنامه

پرسشنامه‌ای که بر اساس مفاهیم و شاخص‌های تحقیق حاضر مهیا و آماده گردید حاوی ۱۳ سؤال (که شامل ۳۵ گویه می‌باشد) در خصوص گرایش سیاسی و ۷ پرسه در خصوص مشخصات فردی یا به‌عبارت‌دیگر متغیرهای زمینه‌ای بود (که در این نوشتار به‌دلیل محدودیت بدان پرداخته نشده است).

۳-۳-۱. مشارکت سیاسی

در خصوص مشارکت سیاسی که بر اساس مدل میلبراث و گوئل و نیز بحث پیرامون سیاست تنظیم گردیده است ۱۲ گویه به عنوان مبنای سنجش مشارکت سیاسی دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی با استفاده از طیف لیکرت مد نظر قرار گرفته است؛ با این تفاوت که گزینه هیچ در این طیف هم قابل مشاهده است.

۱. چقدر وقت می‌گذارید تا از اخبار و وقایع سیاسی از طریق رسانه (روزنامه، تلویزیون، ماهواره و ...) آگاه شوید؟

۲. تا چه اندازه در انتخابات شرکت نموده تا فرد مورد نظر خود را برای منصب سیاسی انتخاب نمایید؟

۳. چقدر در فعالیتهای کاندیدهای مورد نظرتان شرکت می‌نمایید؟

۴. چقدر دیگران را تشویق می‌کنید تا در انتخابات شرکت نمایند؟

۵. تا چه اندازه سعی می‌کنید در راهپیمایی‌ها یا تظاهرات شرکت کرده و از نظام سیاسی حمایت یا انتقاد کنید؟

۶. چقدر خودتان برای کسب مناصب سیاسی تلاش می‌نمایید؟

۷. تا چه اندازه با تشکل‌های سیاسی، انجمن‌های سیاسی، بسیج، انجمن اسلامی و ... ارتباط دارید؟

۸. تا چه اندازه در خصوص مسائل سیاسی در وب‌نوشت‌ها، روزنامه‌ها، مجلات دانشگاه و ... مطلب می‌نویسید؟

و در جمع‌های زیر به چه میزان پیرامون سیاست گفتگو می‌کنید؟

۹. خانواده ۱۰. همکلاسی‌ها ۱۱. دوستان ۱۲. هم فکری‌های سیاسی

۳-۳-۲. هویت

در خصوص بحث هویت (سیاسی) ۳ گویه مد نظر قرار گرفته که در پاسخ به این سؤال می‌باشد: به نظر شما هنجارها و اصول سیاسی کشور بهتر است به چه میزان از منابع زیر استخراج گردد؟

الف. آیین و سنن ایرانیان: اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی: اصول و ارزش‌های مدنی (مثل آزادی، مردم‌سالاری، حقوق بشر و ...)

۳-۳-۳. مشروعیت

راجع به بحث مشروعیت سیاسی ۴ گویه مد نظر قرار گرفته که حاوی سنجش میزان مشروعیت کاریزماتیک و مدرن از نگاه دانشجویان است. در این قسمت مشروعیت سنتی به‌طور جداگانه مورد مطالعه قرار نگرفته، بلکه مشروعیت سنتی در مقابل مشروعیت مدرن مد نظر قرار گرفته است.

- دلیل مقبولیت یک شخص سیاسی برای شما تا چه اندازه به خصلت‌های مردم‌انگیزی، جذبه ظاهری، قهرمانانه و بیان نافذ آن شخص بستگی دارد؟
- شما در انتخابات تا چه اندازه به شهرت کاندیداها رأی می‌دهید؟
- به چه میزان نسبت به جملات زیر موافق هستید؟

* نظام اجتماعی و سیاسی کشور به‌جای اینکه به فرهنگ و ارزش‌های سنتی اهمیت دهد باید به شایسته‌سالاری، تخصص و کارایی اهمیت دهد.
* نظام اجتماعی و سیاسی کشور به‌جای اینکه به فرهنگ و ارزش‌های سنتی اهمیت دهد باید به حاکمیت قانون اهمیت دهد.

۳-۳-۴. جریان سیاسی

در خصوص بحث جریان سیاسی یا به‌عبارت‌دیگر گرایش سیاسی دانشجویان به سمت چپ یا راست یا میانه ۱۱ گویه مطرح شده است.
* نظرتان را نسبت به جملات زیر بنویسید
- ایران داری گذشته‌ای سرشار از ارزش‌ها، هنجارها و نمادها، عظمت و اقتدار است و ما باید به آن ارزش‌ها و اقتدار بازگردیم.
- ضمن تأیید و بهره‌گیری از تمدن و فرهنگ گذشته ایران، باید با استفاده از اصول تمدن جدید، ایرانی بهتر بسازیم.

- ایران گذشته‌ای جزء سنت، فرهنگ و تمدن استثنائی اقتدارگرایی و استبدادی ندارد و ما باید بدون توجه به گذشته، به ساختن جامعه‌ای آباد و بافرهنگ و دموکراتیک اقدام نماییم.

* به نظر شما هنجارها و اصول سیاسی کشور بهتر است به چه میزان از منابع اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی استخراج گردد؟

* نظرتان نسبت به موارد زیر چیست؟

- ضمن کسب و پذیرش ارزش‌ها و نهادهای مفید دنیای مدرن، باید حافظ و مدافع نهادها و ارزش‌های معتبر و مفید سنتی خود باشیم.

- ارزش‌ها و نهادهای گذشته مربوط به گذشته می‌باشند، برای توسعه و زندگی در دنیای جدید، باید ارزش‌ها، هنجارها و نهادهای جدید را بپذیریم و در جامعه مستقر سازیم.

- جامعه از لحاظ ارزش‌ها و هنجارها دچار مشکلات جدی است، باید با تمام وجود درصدد احیاء و حفظ ارزش‌های سنتی خودمان برآییم.

* به نظر شما هر کدام از طبقات زیر باید چه سهمی از قدرت سیاسی را در اختیار داشته باشند؟

- طبقات بالا (مثل تجار یا سرمایه‌داران)

- طبقات متوسط (مثل بازاریان، فرهنگیان و کارمندان و ...)

- طبقات پایین (مثل کارگران)

* به نظر شما نظام اجتماعی و سیاسی کشور باید کدامیک از سیاست‌ها را در

پیش گیرد؟

- حمایت از طبقات بالا

- حمایت از همه طبقات با تأکید بر طبقات بالا

- حمایت از همه - حمایت از همه طبقات با تأکید بر طبقات پایین

- حمایت از طبقات پایین

۳-۳-۵. قدرت سیاسی

راجع به بحث قدرت سیاسی به‌طورکلی دو گویه مطرح شده که دیدگاه دانشجویان نسبت به قدرت سیاسی (توزیع قدرت و مبانی قدرت) را مورد سنجش قرار می‌دهد.

* به نظر شما نظام اجتماعی و سیاسی کشور باید کدامیک از سیاست‌ها را در پیش گیرد (یکی از گزینه‌ها را انتخاب کنید)؟

- حمایت از طبقات فقیر و زحمت کش

- حمایت از نخبگان و اشراف

- حمایت از متخصصین و روشنفکران

- حمایت از همه شهروندان بدون نگرش طبقاتی

- حمایت از طبقات متوسط (مثل بازاریان و کارمندان و فرهنگی-ان)

* به نظر شما هنجارها و اصول سیاسی کشور بهتر است به چه میزان از منابع

اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی استخراج گردد؟

۳-۴. روایی و پایایی پرسشنامه

مفهوم اعتبار به این پرسش پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه‌گیری نمی‌توان به‌دقت داده‌های حاصل از آن اطمینان داشت (سرمد، و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰). در این تحقیق برای تعیین روایی از روایی صوری استفاده کرده‌ایم. روایی صوری به این مطلب اشاره دارد که سؤال‌های آزمون تا چه حد در ظاهر شبیه به موضوعی هستند که برای اندازه‌گیری آن تهیه شده‌اند. علاوه‌براین، به‌منظور مطمئن شدن از روایی پرسشنامه حاضر، پرسشنامه مذکور را در اختیار متخصصان قرار داده که با اعمال نظر روایی آن را مورد تأیید قرار داده‌اند. قابلیت اعتماد یا پایایی یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است و با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. دامنه ضریب قابلیت اعتماد از صفر (عدم ارتباط) تا +۱ (ارتباط کامل) است (سرمد و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶). در این پژوهش برای بررسی پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید و با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده

تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران ۸۳

از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری Spss میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ برای پرسشنامه محاسبه شده است (جدول زیر). این عدد نشان‌دهنده آن است که پرسشنامه مورد استفاده، از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر از پایایی لازم برخوردار می‌باشد.

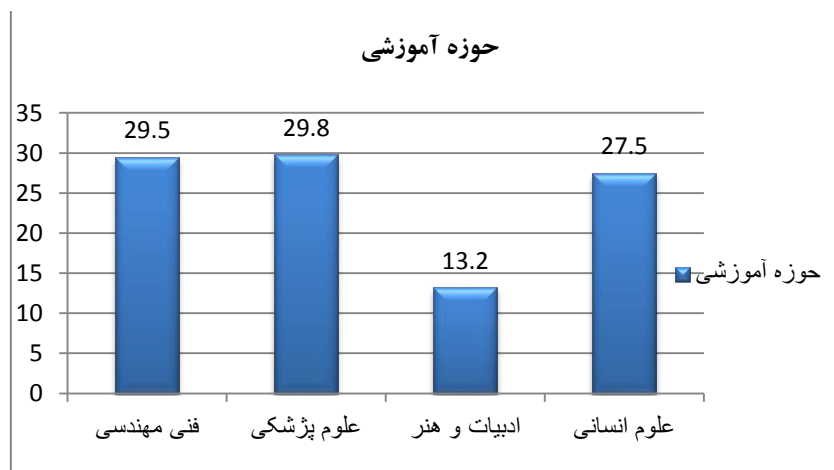
ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه

ضریب آلفای کرونباخ	مقیاس
۰/۷۹	پرسشنامه

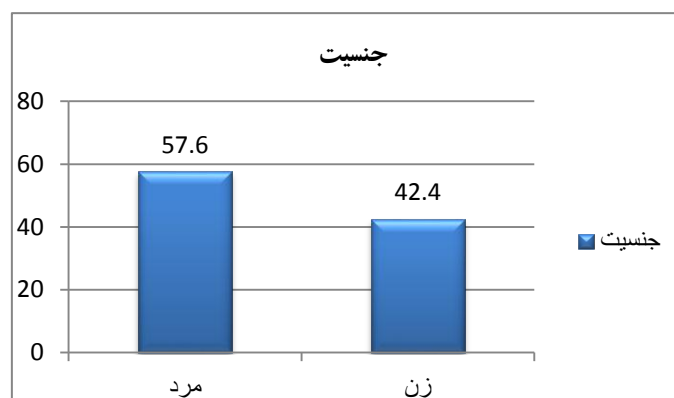
۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. دموگرافی دانشجویان

در اینجا به منظور «بررسی رابطه بین رشته‌ای تحصیلی و گرایش به فعالیت‌های سیاسی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران» داده‌های جمع‌آوری شده را با نرم‌افزاری آماری SPSS16 تجزیه و تحلیل کرده و یافته‌های حاصل را در قالب مشخصه‌های آمار توصیفی (درصد فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (تحلیل وردایی (واریانس) چندمتغیری، تحلیل وردایی (واریانس) تک‌متغیری، آزمون t و آزمون خی دو) به شکل جدول و گزارشات کتبی برای متغیرهای پژوهش مستند شده است. در ابتدای امر شاخص‌های توصیفی متغیرهای دموگرافی جمعیت مورد مطالعه را به طور خلاصه در شکل ۱ گزارش کرده‌ایم.



شکل شماره ۱. درصد فراوانی سطوح مختلف گروه‌های آموزشی



شکل شماره ۲. درصد فراوانی سطوح دوگانه جنسیت

همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد در متغیر جمعیت شناختی حوزه آموزشی افراد جامعه پژوهش در ۴ حوزه فنی مهندسی، علوم پزشکی، ادبیات و هنر و علوم انسانی پراکنده شده‌اند که بالاترین درصد برای حوزه علوم پزشکی با $29/8$ و پایین‌ترین درصد برای حوزه ادبیات و هنر با $13/2$ درصد می‌باشد. البته قابل ذکر است که در فنی

تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران ۸۵

مهندسی ۲۹/۵ و علوم انسانی ۲۷/۵ می‌باشد که در حد میانه این دو قرار دارند. همچنین برای متغیر جنسیت ۵۷/۶ درصد را پسران و ۴۲/۴ درصد را دختران تشکیل می‌دهند. برای هر دو این متغیرها شکل‌های ۱ و ۲ به خوبی گویای این پراکندگی هستند. در ادامه به منظور پاسخگویی به فرضیه پژوهشی از آمار استنباطی استفاده شده است که در ذیل پیگیری خواهد شد. نکته‌ای که قبل از پرداختن به فرضیه‌ها و سؤالات ابعاد گرایش سیاسی ذکر آن لازم و ضروری به نظر می‌رسد آن است که در ادامه ابتدا به سؤالات و فرضیات ابعاد گرایش سیاسی پرداخته خواهد شد، سپس در بخش نهایی (بحث و نتیجه‌گیری) با توجه به ارزیابی آن‌ها به بررسی فرضیه اصلی تحقیق خواهیم پرداخت؛ چرا که رد یا تأیید فرضیه اصلی تحقیق در وهله اول منوط به ارزیابی فرضیه‌ها و سؤالات ابعاد گرایش سیاسی است.

۴-۲. مشارکت سیاسی

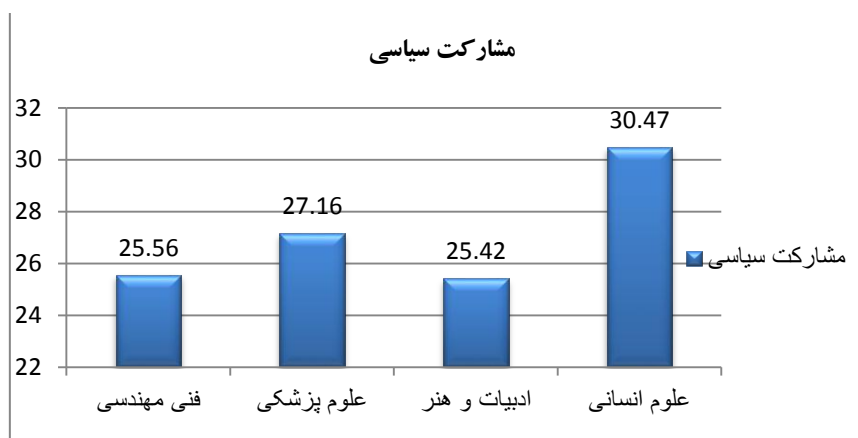
فرضیه یک: «بین دانشجویان گروه‌های مختلف از لحاظ مشارکت سیاسی تفاوت معناداری وجود دارد (بدین صورت که به نظر می‌رسد دانشجویان گروه علوم انسانی نسبت به دانشجویان سایر رشته‌های تحصیلی مشارکت سیاسی بیشتری داشته باشند)». در ابتدا میانگین و انحراف استاندارد گروه‌های مختلف آموزشی این متغیر را در جدول ۱ گزارش خواهیم کرد.

جدول شماره ۲. مشخصات توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) مشارکت سیاسی

به تفکیک گروه آموزشی

متغیر	فنی مهندسی		علوم پزشکی		ادبیات و هنر		علوم انسانی	
	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M
مشارکت سیاسی	۲۵/۵۶	۹/۰۹	۲۷/۱۶	۹/۸۵	۲۵/۴۲	۸/۸۶	۳۰/۴۷	۹/۰۸

همان‌طور که جدول مشخصات توصیفی متغیر مشارکت سیاسی به تفکیک گروه‌های آموزشی نشان می‌دهد در میان میانگین گروه‌ها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که بالاترین میانگین برای علوم انسانی و پایین‌ترین میانگین به گروه ادبیات و هنر تعلق دارد؛ اما معناداری این تفاوت بر ما مشخص نیست. شکل ۳ نیز شکل گرافیکی تفاوت بین میانگین‌ها مشارکت سیاسی به تفکیک گروه‌های آموزشی نیز نشان می‌دهد که مطابق با یافته‌های عددی جدول ۲ است.



شکل شماره ۳. درصد فراوانی سطوح مختلف میزان مشارکت سیاسی

همان‌طور که مشاهده جدول مشخصات توصیفی متغیر مشارکت سیاسی به تفکیک گروه‌های آموزشی نشان می‌دهد در میان میانگین گروه تفاوت‌ها مشاهده می‌شود به‌گونه‌ای که بالاترین میانگین برای علوم انسانی و پایین‌ترین میانگین به گروه ادبیات و هنر تعلق دارد؛ اما معناداری این تفاوت بر ما مشخص نیست، شکل ۳ نیز شکل گرافیکی تفاوت بین میانگین‌های مشارکت سیاسی به تفکیک گروه‌های آموزشی نیز نشان می‌دهد که مطابق با یافته‌های عددی جدول ۲ است. حال به‌منظور آزمون فرضیه تفاوت بین گروه‌های آموزشی در متغیر مشارکت سیاسی با توجه به بیش از دو گروه بودن گروه‌های آموزشی و کمی بودن متغیر مشارکت سیاسی از تحلیل و ردایی یک راهه (ANOVA) استفاده شده است که خلاصه نتایج مربوط به آن در جدول ۳ گزارش

تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران ۸۷

شده است. لازم به ذکر است که پیش فرض‌های اساسی تحلیل وردایی برابری وردایی دو گروه است که مطابق نتایج آزمون لوین تفاوت معناداری بین وردایی چهار گروه وجود نداشت.

جدول شماره ۳. نتایج تحلیل وردایی مشارکت سیاسی برای گروه‌های آموزشی

منبع پراش	SS	MS	F	Sig
بین گروهی	۱۴۰۶/۸۷	۴۶۸/۹۶	۵/۴۳	۰/۰۱
درون گروهی	۲۹۱۷۸/۷۰	۸۶/۳۳		
کل	۳۰۵۸۵/۵۸			

نتایج تحلیل وردایی نشان می‌دهد که مقدار F برابر با ۵/۴۳ که در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر اینکه بین گروه‌های آموزشی (بین گروهی) تفاوت وجود دارد. بدین شکل در مقایسه‌های دو به دو میانگین گروه‌های آموزشی حداقل در یک مقایسه تفاوت بین میانگین‌ها معنادار می‌باشد؛ که به منظور اطلاعات دقیق‌تر در مقایسه دو به دو میانگین‌ها از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است که خلاصه نتایج مربوط به آن در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه‌های دو به دو میانگین‌ها

Sig	تفاوت میانگین‌ها	گروه II	گروه I
۰/۶۱	-۱/۵۹	علوم پزشکی	فنی مهندسی
۰/۹۹	۰/۱۴	ادبیات و هنر	
۰/۰۱	-۴/۹۰	علوم انسانی	
۰/۷۲	۱/۷۳	ادبیات و هنر	علوم پزشکی
۰/۰۶	-۳/۳۱	علوم انسانی	
۰/۰۱	-۵/۰۵	علوم انسانی	ادبیات و هنر

نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان می‌دهد که در مقایسه‌های دو به دو، تفاوت علوم انسانی با فنی و مهندسی، ادبیات و هنر معنادار ولی با علوم پزشکی معنادار نیست،

همچنین در مقایسه‌های دیگر هیچ‌کدام معنادار نیست؛ بنابراین این نتایج نشان می‌دهد که میزان مشارکت سیاسی گروه علوم انسانی نسبت به سایر گروه‌ها بالاتر است که این تفاوت نسبت به فنی مهندسی و ادبیات و هنر معنادار ولی نسبت به علوم پزشکی معنادار نیست.

۳-۴. هویت سیاسی

فرضیه: «بین دانشجویان مختلف تحصیلی به‌لحاظ هویت سیاسی تفاوت وجود دارد (بدین صورت که به نظر می‌رسد دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان دیگر رشته‌ها از هویت مدنی بیشتری برخوردار باشند)».

برای ارزیابی این فرضیه با توجه به سه متغیر آئین ایرانیان، ارزش‌های اسلامی و ارزش‌های مدنی و وجود چهار گروه آموزشی از تحلیل وردایی چند متغیری استفاده شده است.

جدول شماره ۵. تحلیل وردایی چند متغیری

آزمون	Value	F	Sig
لانداي ویلکز	۰/۹۵۶	۱/۷۱	۰/۰۴

جدول تحلیل وردایی نشان می‌دهد که مقدار F در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد بدین معنی که حداقل در یک متغیر از سه متغیر هویت سیاسی بین چهار گروه آموزشی تفاوت وجود دارد که به‌منظور مشخص کردن تفاوت‌ها از تحلیل وردایی تک متغیری استفاده شده است.

جدول شماره ۶. آزمون تحلیل وردایی تک متغیری

متغیر	SS	MS	F	Sig
آئین ایرانی	۳/۳۷	۱/۱۳	۰/۳۸	۰/۷۷
ارزش‌های اسلامی	۴۸/۹۸	۱۶/۳۳	۲/۸۶	۰/۰۷
ارزش‌های مدنی	۱۵/۷۳	۵/۲۴	۳/۰۲	۰/۰۵

ملاحظه جدول تحلیل وردایی تک‌متغیری نشان می‌دهد که هر چهار گروه به یک میزان در استخراج اصول و هنجارهای سیاسی از این دو منبع تأکید دارند اما در بین چهار گروه در استخراج اصول و هنجارهای سیاسی از منبع ارزش‌های مدنی تفاوت‌هایی وجود دارد که به‌منظور نشان دادن اطلاعات دقیق‌تر از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است.

جدول شماره ۷. نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه‌های دو به دو میانگین‌ها در استخراج اصول سیاسی از منبع ارزش‌های مدنی

Sig	تفاوت میانگین‌ها	گروه II	گروه I
۰/۳۶	۰/۳۰	علوم پزشکی	فنی مهندسی
۰/۳۴	-۰/۱۳	ادبیات و هنر	
۰/۵۷	-۰/۲۴	علوم انسانی	
۰/۲۵	-۰/۴۳	ادبیات و هنر	علوم پزشکی
۰/۰۲	-۰/۵۵	علوم انسانی	
۰/۹۶	-۰/۱۱	علوم انسانی	ادبیات و هنر

جدول مربوط به آزمون تعقیبی توکی نشان می‌دهد که مقایسه‌های دو به دو بین گروه‌های آموزشی برای استخراج اصول و هنجارهای سیاسی از منبع ارزش‌های مدنی تنها تفاوت بین فنی و مهندسی با علوم انسانی معنادار است. بدین‌صورت که دانشجویان علوم انسانی تمایل بیشتری برای استخراج اصول سیاسی از منبع ارزش‌های مدنی نسبت به دانشجویان فنی و مهندسی دارند؛ اما با سایر گروه تفاوت معنادار و بالاتر از شانس و تصادف ندارد و مقایسه‌های دیگر بین گروه‌های آموزشی معنادار نیست.

۴-۴. مشروعیت سیاسی

فرضیه: «به نظر می‌رسد که دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان دیگر گروه‌های تحصیلی نسبت به مشروعیت قانونی و عقلایی (یا مدرن) در مقایسه با مشروعیت سنتی و کارزماتیک تمایل بیشتری داشته باشند».

در این فرضیه نیز مانند دیگر مقایسه‌های گروه‌های آموزشی با توجه به وجود چهار گروه آموزشی و متغیر وابسته کمی از تحلیل وردایی استفاده شده است.

جدول شماره ۸. نتایج تحلیل وردایی مشروعیت مدرن برای گروه‌های آموزشی

منبع پراش	SS	MS	F	Sig
بین گروهی	۳۸/۵۵	۱۲/۸۵	۱/۶۸	۰/۱۷
درون گروهی	۲۵۸۶/۱۰	۷/۶۵		
کل	۲۶۲۴/۶۵			

مطابق نتایج جدول بالا بین میانگین چهار گروه آموزشی از لحاظ ترجیح مشروعیت مدرن نسبت به مشروعیت سنتی تفاوت معناداری وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه حاضر قابل اعتنا نیست.

سؤال: چه تفاوتی بین گروه‌های آموزشی در انتخاب مشروعیت کاریزما وجود دارد؟

در این سؤال نیز مانند دیگر مقایسه‌های گروه‌های آموزشی با توجه به وجود چهار گروه آموزشی و متغیر وابسته کمی از تحلیل وردایی استفاده شده است که نتایج آن در ادامه گزارش خواهد شد.

جدول شماره ۹. مشخصات توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) مشروعیت کاریزما

به تفکیک گروه آموزشی

متغیر	فنی مهندسی		علوم پزشکی		ادبیات و هنر		علوم انسانی	
	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M
مشروعیت کاریزما	۳/۰۶	۶/۶۶	۲/۹۴	۶/۸۲	۲/۹۰	۶/۱۹	۳/۱۷	۶/۷۴

تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران ۹۱

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول بالا میانگین چهار گروه آموزشی در انتخاب مشروعیت سیاسی تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند که به منظور آزمودن تفاوت بین این گروه‌ها از تحلیل وردایی استفاده شده است.

جدول شماره ۱۰. نتایج تحلیل وردایی مشروعیت کاریزما برای گروه‌های آموزشی

Sig	F	MS	SS	منبع پراش
۰/۵۴	۰/۷۳	۶/۷۰	۲۰/۰۹	بین گروهی
		۹/۲۰	۳۱۱۱/۴۳	درون گروهی
			۳۱۳۱/۵۲	کل

مطابق نتایج جدول بالا بین میانگین چهار گروه آموزشی ترجیح مشروعیت کاریزما معناداری وجود ندارد؛ یعنی اینکه بین گروه‌ها از لحاظ ترجیح مشروعیت کاریزما تفاوتی نیست و به یک نسبت آن را انتخاب می‌کنند.

۴-۵. قدرت سیاسی

سؤال: گرایش دانشجویان مختلف تحصیلی نسبت به قدرت سیاسی چگونه است؟ بدین صورت که تفاوت گرایش آنان (دانشجویان مختلف تحصیلی) نسبت به مبانی قدرت سیاسی (الهی و زمینی) و توزیع قدرت سیاسی (بین طبقات و اقشار مختلف) چگونه است؟

بخش اول سؤال: رشته‌های مختلف مبانی قدرت را به چه میزان دینی و اسلامی می‌دانند؟

در مقایسه گروه‌های آموزشی در دینی و اسلامی دانستن مبانی قدرت با توجه به وجود چهار گروه آموزشی و متغیر وابسته کمی از تحلیل وردایی استفاده شده است.

جدول شماره ۱۱. مشخصات توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) مبانی دینی

به تفکیک گروه آموزشی

علوم انسانی		ادبیات و هنر		علوم پزشکی		فنی مهندسی		متغیر
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	مبانی
۲/۵۲	۳/۷۲	۲/۵۵	۳/۵۶	۲/۱۵	۴/۹	۲/۳۰	۳/۸۵	دینی

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول بالا میانگین چهار گروه آموزشی در انتخاب مبانی دینی برای مبانی قدرت تفاوت‌ها را نشان می‌دهند که به منظور آزمودن تفاوت بین این گروه‌ها از تحلیل وردایی استفاده شده است.

جدول شماره ۱۲. نتایج تحلیل وردایی مبانی دینی قدرت برای گروه‌های آموزشی

Sig	F	MS	SS	منبع پراش
۰/۰۵	۲/۸۶	۱۶/۳۳	۴۸/۹۸	بین گروهی
		۵/۷۰	۱۹۲۷/۹۵	درون گروهی
			۱۹۷۶/۹۳	کل

نتایج تحلیل وردایی نشان می‌دهد که مقدار F برابر با ۲/۸۶ که در سطح ۰/۰۵ معنادار هست. به عبارت دیگر بین گروه‌های آموزشی (بین گروهی) فنی مهندسی، علوم پزشکی، ادبیات و هنر و علوم انسانی در مبانی دینی قدرت تفاوت وجود دارد که این تفاوت مربوط به اسلامی بودن بیشتر دانشجویان علوم پزشکی نسبت به سایرین است. بخش دوم سؤال: گروه‌های آموزشی توزیع قدرت را بین اقشار و طبقات مختلف چگونه می‌دانند؟

برای مشخص کردن جواب این سؤال درصد فراوانی هر یک از گروه‌های آموزشی برای هر یک از سطوح پنج‌گانه توزیع قدرت در جدول پایین گزارش شده و با توجه به طبقاتی بودن دو متغیر از آزمون خی دو استفاده شده است.

تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران ۹۳

جدول شماره ۱۳. درصد فراوانی سطوح توزیع قدرت به تفکیک گروه آموزشی

حمایت از فقیر و	حمایت از نخبه و	حمایت از روشنفکر	حمایت از همه	حمایت از طبقه	
۷/۹	۲	۲۷/۷	۶۲/۴	-	فنی مهندسی
۷/۸	-	۱۷/۶	۷۲/۵	۲	علوم پزشکی
۲/۲	۴/۴	۲۸/۹	۶۴/۴	-	ادبیات و هنر
۷/۴	-	۱۶	۷۲/۳	۴/۳	علوم انسانی

جدول شماره ۱۴. آزمون خی دو هم خوانی بین گروه آموزشی و سطوح توزیع قدرت

آزمون	X ²	Sig
خی دو	۲۰/۷۲	۰/۰۶

بر اساس یافته‌های ارائه شده در جدول بالا هم خوانی و رابطه خاصی بین گروه‌های آموزشی و سطوح توزیع قدرت وجود ندارد. ملاحظه جدول درصد فراوانی نشان می‌دهد که در هر چهار گروه بیشترین درصد برای حمایت از شهروندان بدون نگرش طبقاتی است که تفاوتی بین چهار گروه نشان نمی‌دهد.

۴-۶. جریان سیاسی

فرضیه: «به نظر می‌رسد دانشجویان علوم انسانی به لحاظ طیف بندی سیاسی (با جریان سیاسی) از گرایش متعادل تر و میانه تری برخوردار باشند.»

در ارتباط با این فرضیه درصد فراوانی هر یک از گروه‌های آموزشی برای هر یک از سطوح طیف بندی سیاسی در جدول پایین گزارش شده و با توجه به طبقاتی بودن دو متغیر از آزمون خی دو استفاده شده است.

جدول شماره ۱۵. درصد فراوانی سطوح طیف‌بندی سیاسی به تفکیک گروه آموزشی

راست افراطی	راست معتدل	میانه	چپ معتدل	چپ افراطی	
-	۸/۹	۵۷/۴	۳۰/۷	۳	فنی مهندسی
-	۶/۹	۷۱/۶	۲۰/۶	۱	علوم انسانی
-	۱۷/۸	۵۳/۳	۱۷/۸	۱۱/۱	ادبیات و هنر
-	۱۰/۶	۵۹/۶	۲۳/۴	۶/۴	علوم پزشکی

در هم‌خوانی بین گروه آموزشی و سطوح طیف‌بندی سیاسی رابطه در سطح ۰/۰۵ معنادار است؛ بدین معنی که گروه‌های آموزشی به یک میزان در سطوح طیف‌بندی سیاسی تقسیم نشده‌اند و بلکه در هر گروه شکل خاصی دارد به گونه‌ای که بیشترین درصد فراوانی برای طیف میانه در گروه علوم انسانی به حد بالای خود رسیده که در طیف چپ افراطی گروه ادبیات و هنر نسبت به مابقی گروه‌ها بسیار بالاتر است و در چپ معتدل درصد فراوانی فنی و مهندسی بالاست و در طیف راست معتدل درصد فراوانی ادبیات و هنر نیز نسبت به بقیه متفاوت است (نگاه کنید به جدول زیر)

جدول شماره ۱۶. آزمون خی دو هم‌خوانی بین گروه آموزشی و سطوح طیف‌بندی سیاسی

Sig	X ²	آزمون
۰/۰۳	۱۸/۱۷	خی دو

جمع‌بندی

در اینجا که در واقع بخش پایانی نوشتار حاضر را شکل می‌دهد نتایج داده‌های به‌دست آمده از بخش پیشین را مطرح می‌نماییم. در این راستا ابتدا با بحث و بررسی و نتیجه‌گیری از داده‌های به‌دست آمده در خصوص سؤالات و فرضیه‌های فرعی، فرضیه اصلی تحقیق را مورد بررسی قرار داده و به نتایج حاصل از آن می‌پردازیم. همان‌گونه که قبلاً ذکر کردیم به دلیل آنکه فرضیه اصلی تحقیق حاضر وابسته به فرضیه‌های فرعی (فرضیه‌هایی که در خصوص ابعاد پنج‌گانه گرایش سیاسی هستند) است، در نتیجه در صورت رد یا تأیید فرضیه‌های فرعی می‌توان در مورد تأیید یا رد فرضیه اصلی بحث و بررسی کرد.

برون‌داد کلی تحقیق حاضر مبنی بر تأیید فرضیه اصلی تحقیق است. به عبارت دیگر داده‌های استخراج‌شده از پرسشنامه و تحلیل آن از طریق نرم‌افزار spss نشان دادند که فرضیه فرعی متفاوت بودن گروه‌های تحصیلی در بعد مشارکت سیاسی قابل تأیید بودند. بدین صورت که دانشجویان علوم انسانی نسبت به سایر دانشجویان از مشارکت بیشتری در امر سیاسی برخوردارند. همچنین فرضیه‌های دیگر در خصوص جریان سیاسی و هویت سیاسی نیز به تأیید رسیدند. بدین شکل که دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان دیگر گروه‌های آموزشی از جریان سیاسی متعادل‌تری برخوردارند و دیگر آنکه این دانشجویان نسبت به دانشجویان فنی و مهندسی، پزشکی و ادبیات و هنر راجع به هویت مدنی و جهانی از تمایل بیشتری برخوردارند؛ در واقع این امر تأیید فرضیه مربوط به هویت سیاسی است؛ اما فرضیه مربوط به متفاوت بودن گرایش سیاسی دانشجویان مختلف تحصیلی به لحاظ مشروعیت سیاسی تأیید نشد. به عبارت دیگر بر اساس داده‌های استخراج‌شده از پرسشنامه تفاوت محسوسی بین دانشجویان کلیه گروه‌های آموزشی نسبت به تمایل به مشروعیت مدرن، سنتی و کارزماتیک وجود نداشت؛ هر چند که همه دانشجویان نسبت به مشروعیت مدرن در مقایسه با مشروعیت سنتی و مدرن از تمایل بیشتری برخوردار بودند. همچنین داده‌های به‌دست آمده در خصوص سؤال مطرح‌شده راجع به قدرت سیاسی نیز حاکی از عدم تفاوت بین گروه‌های تحصیلی در این زمینه است. به عبارت دیگر مبانی قدرت سیاسی و

توزیع قدرت سیاسی از نگاه دانشجویان گروه‌های آموزشی مختلف، تفاوت محسوسی نداشتند؛ هر چند که دانشجویان علوم پزشکی نسب به مبانی الهی و اسلامی قدرت سیاسی دیدگاه مثبتی دارند اما این امر به تأیید یا رد این فرضیه کمک نمی‌کند. از این روی با توجه به اینکه سه فرضیه از فرضیه‌های مربوط به ابعاد گرایش سیاسی تأیید شدند و نیز با توجه به مساوی بودن وزن فرضیه‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی تحقیق (که همانا همبستگی بین رشته تحصیلی و گرایش سیاسی است) قابل تأیید باشد. به عبارت دیگر تأیید اکثر فرضیه‌های فرعی گرایش سیاسی نشان می‌دهد که به لحاظ روش همبستگی، گرایش سیاسی محصلین علوم انسانی نسبت به گرایش سیاسی دیگر محصلین از تفاوت معناداری برخوردار است.

در ادامه به منظور تبیین و تفسیر مبحث فوق ابتدا ابعاد پنج‌گانه گرایش سیاسی (مشارکت سیاسی، مشروعیت سیاسی، هویت سیاسی، جریان سیاسی و قدرت سیاسی) را به ترتیب و به صورت جداگانه) را مطرح کرده و در پایان به مرور فرضیه اصلی تحقیق و نتیجه‌گیری نهایی خواهیم پرداخت.

اولین فرضیه فرعی مربوط به مشارکت سیاسی است. با در نظر گرفتن مدل میلبراث و گوئل و نیز بحث پیرامون مسائل سیاسی، نتیجه‌ای که از فرضیه اصلی در این خصوص حاصل شد آن است که دانشجویان علوم انسانی نسبت به سایر دانشجویان در رشته‌ها و گروه‌های دیگر از مشارکت سیاسی بیشتری برخوردارند اما دانشجویان رشته‌های دیگر تفاوت معناداری نسبت به یکدیگر ندارند. تفاوت معنادار مطرح شده به چه دلایل و زمینه‌هایی بستگی دارد و چرا دانشجویان علوم انسانی نسبت به امر سیاسی بی‌تفاوت نیستند و ... از جمله سؤالاتی است که با توجه به دیدگاه میلبراث گوئل قابل تبیین و توضیح است.

از نگاه میلبراث شخصی که تحت تأثیر محرک سیاسی بیشتری باشد احتمال مشارکت وی نیز بیشتر می‌شود؛ در واقع در نگاه میلبراث و گوئل، محرک سیاسی یا به عبارت دیگر آنچه فرد را وادار به مشارکت سیاسی و توجه به امر سیاسی می‌کند از عوامل مهم و تأثیرگذاری‌اند که افراد را به سمت تحرک در امر سیاسی هدایت و رهنمود می‌کند. در نتیجه دانشجویان علوم انسانی نسبت به سایر دانشجویان که از

محركه بیشتری برخوردارند مشارکت سیاسی بیشتری نیز در امر سیاست دارند. به عبارت دیگر دانشجویان علوم انسانی به دلیل آنکه بیشتر درگیر مسائل سیاسی هستند (به سبب مرتبط بودن رشته تحصیلی آنان به سیاست و یا به عبارت دیگر ارتباط مستقیم رشته‌های تحصیلی آن‌ها با سیاست) نسبت به رشته‌های فنی و دیگر رشته‌ها (به دلیل کمتر قرار گرفتن آن‌ها در معرض محرك‌های سیاسی از ناحیه رشته مطالعاتی خود) مشارکت سیاسی آن‌ها نیز بیشتر است.

از سوی دیگر مشارکت در هر فعالیتی به میزان آگاهی و تخصص فرد در آن زمینه است. افرادی که از دانش و آگاهی بیشتری برخوردار می‌باشند، می‌توانند با مشارکت در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی نقش مهم و تأثیرگذاری را بر گروه‌های اجتماعی داشته باشند. درحالی که اگر فرد در زمینه مورد نظر از دانش و تخصص و قدرت تجزیه و تحلیل مباحث برخوردار نباشد، نمی‌تواند مشارکت فعالی در زمینه‌های مورد نظر داشته باشد. چنین افرادی یا از خیر مشارکت در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی می‌گذرند و یا در صورتی که دارای زمینه‌های فردی و اجتماعی مناسبی برای فعالیت در موقعیت‌های سیاسی - اجتماعی جامعه باشند، معمولاً به عنوان افرادی پیرو در فعالیت‌های مورد نظر مشارکت خواهند نمود. در این راستا به نظر می‌رسد میزان آگاهی دانشجویان علوم انسانی نسبت به سایر دانشجویان بیشتر بوده و در نتیجه آن‌ها را به مقوله بی‌تفاوتی سیاسی روگردان ساخته و مشارکت در سیاست به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در زندگی آن‌ها به عنوان یک امر ضروری تلقی می‌شود.

در خصوص جریان سیاسی یا به عبارت دیگر طیف سیاسی بر اساس داده‌های به دست آمده تفاوت معناداری بین رشته‌ها وجود دارد؛ اما قبل از توصیف و توضیح این امر، بازخوانی تفاوت بین رشته‌های علوم انسانی و علوم طبیعی لازم و ضروری است. همان‌گونه که در بخش چارچوب نظری آمد، علوم انسانی با علوم طبیعی تفاوت‌هایی هم به لحاظ روشی و هم به لحاظ موضوعی دارند. بدین معنا که علوم انسانی مبتنی بر عدم قطعیت است درحالی که قطعیت در علوم طبیعی به نسبت بیشتر احساس می‌شود و نیز آنکه در علوم انسانی تفسیر بجای تبیین می‌نشیند که این امر منجر به نسبی‌گرایی بیشتر در این علوم می‌شود. نکته‌ای که از مبحث فوق می‌توان نتیجه گرفت آن است که

دانشجویان رشته‌های علوم مهندسی اگر که شدیداً تحت تأثیر رشته‌های خود قرار گرفته باشند دیدی دو جانبه نسبت به محیط اطراف خود دارند؛ به عبارت دیگر آن‌ها جهان پیرامون خود را به صورت قطبی (سیاه و سفید) و یا منفی و مثبت و یا خوب و بد تعریف می‌کنند؛ نگاه مطلق‌گرایی آن‌ها که ناشی از رشته و روش مطالعاتی خود بوده به حوزه جامعه و سیاست متسری می‌شود؛ بدین شکل که جهان اجتماعی پیرامون خود را این‌گونه مشاهده می‌کنند و نوع تلقی آن‌ها از این امر دو بعدی است نه چندبعدی؛ مطلق‌گرایی نه نسبی‌گرا و ... این در حالی است که به دلیل چندبعدی بودن رشته‌های علوم انسانی، عدم قطعیت در علوم انسانی، چندوجهی و چندقطبی دیدن امور و مشاهده کردن علل مختلف یک امر اجتماعی و ... باعث می‌شود که عالم و یا محصل علوم انسانی به یک نوع شکاکیت و نگاهی خاکستری به جهان پیرامون خود نظر بیفکند و اجتماع و سیاست و ... را همچون قطب‌های آهن‌ربا نبیند. نتیجه‌گیری که از مبحث فوق به دست می‌آید دید نسبی دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان علوم فنی است که این امر منجر به نگاه متعادلانه و متمایلانه نسبت به گرایشات سیاسی می‌شود. بدین معنا که دانشجویان علوم انسانی به لحاظ جریان‌شناسی سیاسی معمولاً متمایل به میانه هستند و غالباً از گرایشات افراطی چپ و راست پرهیز می‌کنند اما از آن سوی، دیگر دانشجویان فنی و مهندسی از گرایشات تندروانه برخوردارند و متمایل به چپ یا راست هستند، چرا که جهان از دید آن‌ها دو قطبی است.

در خصوص هویت سیاسی نیز آنچه که از تفاوت بین علوم انسانی و دیگر گروه‌های تحصیلی به دست می‌آید آن است که به نظر می‌رسد محصلین علوم انسانی به دلیل علم مورد مطالعه خود نسبت به دیگر محصلین متفاوت باشند (این امر فرض ما در خصوص هویت سیاسی بود)، امری که در واقع در قالب فرضیه مطرح شده و در خصوص هویت سیاسی تأیید شد. در خصوص هویت سیاسی (که متشکل از سه عنصر ایرانی، اسلامی و اصول و ارزش‌های مدنی است) فرضیه تأییدشده ما راجع به مدنی‌تر بودن دیدگاه دانشجویان علوم انسانی نسبت به سایر دانشجویان بدان خاطر است که پایه‌ها، داده‌ها و به‌طور کلی محتوای علم مورد مطالعه دانشجویان علوم انسانی برگرفته از عناصر و مؤلفه‌های مدرنیته است. به‌استثنای برخی از رشته‌ها مثل الهیات و علوم

قرانی، اکثر رشته‌های علوم انسانی بر مبنای تدوین برنامه جامع مدرنیته و نوگرایی قرار گرفته‌اند. مدرنیته که بر اساس به چالش کشیدن سنت‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ‌های غیرعقلانی گذشته و نیز به تصویر کشیدن و خلق کردن آداب و رسوم عقلانی و مدنی جدید برای زندگی بهتر و سعادت‌مندتر بنیان نهاده شده است، امروزه شاکله و محتوای اکثر علوم انسانی را در جهان شکل داده است؛ بنابراین طبیعی است که متعلمین این حوزه از یافته‌ها و داده‌های مدرنیته و تمدن جدید تأثیر پذیرفته و نگرش‌های اجتماعی و سیاسی خود را به موازات آن ترسیم نمایند. در نتیجه این امر می‌تواند به لحاظ ذهنی هویت سیاسی دانشجویان علوم انسانی را نسبت به دیگر رشته‌ها که در معرض مستقیم این امر قرار گرفته‌اند تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را از هویت جهانی و مدنی برخوردار نماید.

اکنون با نگاه به مباحث و مطالب مطرح شده در این فصل می‌توانیم در خصوص رد یا تأیید فرضیه اصلی نظر دهیم. اگر به داده‌های بخش پیشین و بحث و نتیجه‌گیری در این جا نگاهی دوباره بیفکنیم، آشکار است که در می‌یابیم فرضیه اصلی تحقیق حاضر قابل تأیید است. مشارکت سیاسی به عنوان یکی از ابعاد پنج‌گانه گرایش سیاسی و تفاوت بین دانشجویان رشته‌های مختلف نسبت به آن مورد پذیرش قرار گرفت. هویت سیاسی و جریان سیاسی به عنوان دیگر ابعاد گرایش سیاسی از جمله مباحثی بود که تفاوت بین رشته‌های تحصیلی در خصوص آن، مورد تأیید قرار گرفت. هر چند که بین مشروعیت سیاسی و قدرت سیاسی و رشته تحصیلی همبستگی وجود نداشت - یا کمتر از مورد انتظار بود - ولی در تحلیل نهایی، از آنجاکه بیشتر ابعاد گرایش سیاسی با رشته تحصیلی دانشجویان ارتباط پیدا می‌کرد در نتیجه بالطبع فرضیه اصلی پژوهش حاضر مورد تأیید قرار می‌گیرد. نکته‌ای که ذکر مجدد آن ضروری به نظر می‌رسد آن است که در این پژوهش تحلیل ارتباط بین ابعاد گرایش سیاسی و رشته‌های مختلف تحصیلی با توجه به کمبود منابع تا آنجا که میسر بوده است انجام گرفته است، ولی نگارنده بر این اعتقاد است که تحقیقات و پژوهش‌های دیگری لازم است تا با رویکرد روانشناسی و فلسفی به تجزیه و تحلیل دقیق‌تر و عمیق‌تر این مسئله پاسخ دهند.

در پایان به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی و ارائه راه‌کار باید خاطرنشان کرد که دانشجویانی که در رشته‌های مختلف دانشگاهی به تعلیم علم مشغول‌اند راجع به سیاست به‌عنوان توزیع اقتدارگرایانه ارزش‌ها و تحرک‌بخشی به رشد و توسعه اجتماعی، نظر و دیدگاه‌های مهم، هدایت‌بخش و سنجیده دارند. توجه به این مقوله می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و معضلات کشورهای در حال توسعه باشد. از سوی دیگر گروه‌ها و رشته‌های متعدد تحصیلی درون یک جامعه دانشگاهی به‌دلیل متفاوت بودن کنش و واکنش دستگاه نظام سیاسی و اداری یک کشور نسبت به آن‌ها، انگیزه‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به امر سیاسی پیدا می‌کنند. این امر بدان خاطر است که رشته‌های فنی و پزشکی به‌دلیل اهتمام حاکمان نظام سیاسی کشورهای در حال توسعه بدان‌ها، اهمیت شایانی نسبت به رشته‌های دیگر همچون علوم انسانی و علوم اجتماعی دارند.

از این روی بررسی و ارزیابی دیدگاه‌های دانشجویان مختلف تحصیلی راجع به سیاست و امر سیاسی ضرورتی است که می‌تواند کلید برخی ابهام‌ها و معضلات را بگشاید و نگاه حاکمان را نسبت به دانشجویان و دانشگاهیان تعویض نماید و نیز همان‌گونه که پژوهش پیش روی نشان می‌دهد دانشجویان علوم انسانی حداقل به‌لحاظ ذهنی نسبت به پدیده‌های سیاسی نگاه و توجه بیشتری دارند؛ از این روی فراهم نمودن بسترها و زمینه‌های رشد آن‌ها به عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی موجب ارتقاء و رشد جامعه و استفاده بهینه از ظرفیت‌های سیاسی خواهد بود.

یادداشت‌ها

1. ligley
2. http://www.aftabir.com/articles/view/applied_sciences/social_science/
3. Milbrath
4. Goel
5. Traditional Legitimacy
6. Charismatic Legitimacy
7. Legal-rational Legitimacy

کتابنامه

- آندریس، چارلز. اف، (۱۳۵۳)، *زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی*، تهران: انتشارات مؤسسه عالی علوم سیاسی و امور حزبی.
- پیرسون، کریستوفر (۱۳۸۰)، *معنای مدرنیت، گفتگو با آنتونی گیدنز*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات کویر.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ کاویان‌راد، مراد؛ کریمی، یدالله و ظاهرخانی مهدی (۱۳۸۵)، «تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، ش ۴-۳.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶)، «مشارکت سیاسی دانشجویان، ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دوم، شماره ۱
- فلاح، مجید و زاهدی اصل (۱۳۷۸)، *بررسی میزان آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه شاهد*، دانشگاه شاهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی.
- قاسمی، وحید (۲۰۰۲)، «گونه‌شناسی و تبیین فرهنگ سیاسی دانشجویان ایران»، فصلنامه *جامعه*، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اجتماعی، ادبیات و علوم انسانی
- کاجی، حسین (۱۳۷۸)، *کیستی ما از نگاه روشنفکران ایرانی: بررسی آرا و افکار: علی شریعتی، داریوش شایگان ...*، چاپ اول، نشر روزنه.
- محمدی‌نژاد، حسن (۱۳۵۳)، *احزاب سیاسی*، جلد اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عماد زاده، تهران: انتشارات سمت.
- وحید، فریدون؛ کلانتری، صمد و فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی: یازده دانشگاه دولتی شهر تهران)»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد هفدهم، شماره ۲.
- وفادار، مژگان (۱۳۷۵)، «دموکراسی برداشت مردم و دانشجویان»، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

Mcclurg S.D. (2003), "Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction", pp.48-64.

Mead, H. (1965), *Mind, Self and Society, From The Statud Point of a Social Behavior*, The University of Chicago Press Thriteanth.

http://www.aftabir.com/articles/view/applied_sciences/social_science/